

نگاهی به مجموعه داستان «یاد برگ‌ها را سمت دره‌ها می‌برد»

پایانی که می‌توانست زی‌باتر باشد



مجموعه داستان «یاد برگ‌ها را به سمت دره‌ها می‌برد» از هشت داستان کوتاه با موضوع جنگ ایران و عراق تشکیل شده و نویسنده آن علی الله سلیمی است. نویسنده کتاب در یکی از مصاحبه‌هایش بعد از چاپ کتاب گفته بود که قسمت‌هایی از داستان‌های این کتاب از خاطرات خودش در جبهه‌است و بخشی دیگر را هم از خاطرات کهنه‌سربازها و فرماندهان جنگ الهام گرفته‌است. اکثر داستان‌های این کتاب به زمان بعد از اتمام جنگ برمی‌گردد. موضوع داستان‌ها را نویسنده از لابه‌لای خاطرات شخصیت‌های داستان و با فلاش‌بک به گذشته در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. مثل داستان «همان ارتفاع همیشگی» که در مورد رزمندهای است که سال‌ها بعد از جنگ به همراه همسرش برای کهنودری به نزدیکی قلای در مرز ایران و عراق می‌رود که قبلاً در آنجا عملیات سختی انجام گرفته‌و مرد خاطره خوبی از آن قله ندارد. در اینجا مروری خواهیم داشت بر اولین داستان این کتاب «در مسیر مرغان دریایی» یکی از داستان‌های برجسته این کتاب. در این داستان کوتاه با ماجرای عداای از رزمندگان گروه تفحص روبه‌رو هستیم که در یکی از مناطق مرزی کشور عراق در کنار اسکلهای تخریب شده، مشغول پیدا کردن اجساد شهدای مفقودالتر هستند. در یکی از همان روزها گروه جست‌وجوگر هر چقدر تلاش می‌کنند نمی‌توانند پیکر تازه‌ای پیدا کنند، وقتی از آن منطقه کاملاً ناامید شده‌اند یک افسر عراقی که در همان رزمندگان ایرانی در زمان جنگ را در آن نزدیکی‌ها به آنها نشان می‌دهد، گروه تفحص به کمک بیل مکانیکی با گورهای دسته‌جمعی و اجساد و استخوان‌های رزمندگان ایرانی مواجه می‌شوند که حدود ۵۰ نفر هستند. آن افسر عراقی مدت‌هاست که در پیدا کردن اجساد و بیرون کشیدن آنها از زیر خاک به بچه‌های ایرانی کمک می‌کرده‌است. فردای آن روز وقتی رزمندگان ایرانی برای خداحوت گویی و هدیه دادن به او به پایگاه عراقی‌ها در همان نزدیکی می‌روند، متوجه می‌شوند که افسر عراقی به‌خیر آنجا را ترک کرده و از آن پایگاه رفته‌است.

بدیهی است که داستان با خاطره یا یادداشت فرق می‌کند و گاهی حذف پاراگراف پایانی خیلی زیباتر از این است که داستان با یک پاراگراف کشنای و غیرضروری با واضح به پایان برسد، مثلاً در پایان این داستان وقتی مخاطب می‌فهمد که افسر عراقی از شرم با عذاب وجدان فراری شده و احتمالش زیاد است که عامل آن گروه دسته‌جمعی هم خودش بوده‌باشد، باید داستان تمام بشود. وقتی بچه‌های تفحص برای هدیه دادن به افسر عراقی به کنار پایگاه می‌روند می‌شوند که افسر رفته، بهترین زمان برای پایان داستان است چون اینهم داستان در پایان ایجاد شده‌است و احتیاجی به این نیست که مخاطب بداند یک افسر جوان جانشین او شده و گروه هم تصمیم می‌گیرند دهه به افسر را به او بدهند. او جانشین افسر عراقی می‌شود و به بچه‌های تفحص می‌گوید که می‌خواهد کارهای افسر را انجام بدهد و به ایرانی‌ها کمک کند و اینها دیدار دیگر اضافه‌است. این کتاب برگزیده دومین دوره همایش داستانی یوسف در زمینه آثار دفاع مقدس است و در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات سوره مهر تجدید چاپ شده است.

آ **دیده‌یان**

سر تیبیی: آمار تماشاگران سینما بیشتر از اعداد اعلام شده است

پخش‌کننده فیلم «شنای پروانه» معتقد است، آماری که‌از تعداد مخاطبان دو فیلم جدید سینماها اعلام شده کمتر از میزان واقعی حضور مخاطبان است.

علی سرتیبیی، مدیر پردیس سینمایی کوروش و پخش‌کننده فیلم‌های «شنای پروانه» و «خوب، بد، جلف ۲» دربارهٔ ارزیابی خود از استقبال مردم از سینما به ایسنا گفت: در حال حاضر هنوز تمام سینماهای کشور بازگشایی نشده، اما در همین سه روز اول بازگشایی می‌توان گفت که قطعاً میزان مخاطب به یک‌سوم سال قبل خود رسیده‌است و خود ما هم در پردیس کوروش با کاهش یک سوم تا یک چهارم مخاطب نسبت به گذشته روبه‌رو بودیم، با این حال امیدوارم این روند در روزهای آینده بهتر شود.

او با اشاره به ۴۴هزار نفری استقبال مردم از سینماها پس از بازگشایی‌های ظرفیت‌ها، در مصدی سال‌ها به خاطر شرایط کرونا به ویژه در ساعت‌های پیک مشکلاتی به همراه دارد، چون ظرفیت سالن‌ها به‌خصوص اگر سالن کوچک باشد زود پر می‌شود و مخاطب نمی‌تواند بلیت تهیه کند، ضمن اینکه هنوز تعدادی از سالن‌ها به‌سامهٔ «سبوغا» بسته نشده‌اند و بر همین اساس به نظر ام‌ا اعلام‌شده پایین‌تر از رقمی است که در واقعیت وجود دارد. سبغا هم در حال تکمیل شدن است و فکر می‌کنم اگر سه روز یا یک هفتهٔ ام‌ا دقیق نداشته باشیم بهتر است، چون در نهایت با سیستم درست‌تری کار ادامه پیدا می‌کند. روابط عمومی سازمان سینمایی اعلام کرده است تا جمعه شب حدود ۴۴هزار نفر به سینماها رفته‌اند که از این تعداد حدود ۶۰درصد به «شنای پروانه» ۲۵درصد به فیلم «خوب، بد، جلف ۲» و ۱۵درصد به فیلم‌های دیگر اختصاص داشته‌اند.



روزنامه جوان | شماره ۵۶۰ | پخشینه ۸ تیر ۱۳۹۹ | ۶ ذی‌قعدة ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۸ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | اذان مغرب: ۲۰:۴۵ | نیمه‌شب شرعی: ۰۱:۰۵ | اذان صبح فردا: ۰۴:۰۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۱

 	امام علی(ع) می‌فرمایند:	
 	هر که به پیشواز نظرهای گوناگون برسد، جایگاه‌های خطا را شناسد.	
 	گزیده تحف‌العقول	

ناعدالتی سینمایی در باز‌نمایی داد‌گاه‌های قضایی

رهبر انقلاب: غربی‌ها در فیلم‌های سینمایی، داد‌گاه‌های خود را عرصه عدالت محض نشان می‌دهند ولی ما حتی در ارائه واقعیات کشور از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای بهره نمی‌گیریم و گاهی برعکس نشان می‌دهیم

و آنها در بیانیه‌ای موضوع اینکه چرا در این فیلم یک زن در جمهوری اسلامی می‌تواند در دادگاه از حقوق خود دفاع کند و قاضی در کمال آرامش به حرف‌های او گوش کند را محکوم کردند!

■ **«قصاص» چالش اصلی دادگاه‌ها در سینما**

در دهه ۶۰، موضع‌گیری غلط «نهضت آزادی» در مقابل حکم قرآنی «قصاص» باعث شد تا عمر فعالیت رسمی آن به پایان برسد و جامعه که احکام اسلامی را مطالبه می‌کرد، نسبت به موضوع سیاسی و مرام آن گروه اعلام برائت و انزجار کند، با این وجود سال‌ها بعد چندین فیلمساز شروع به تولید آثاری کردند که در آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم قصاص» و دادگاه‌هایی که در آن قهرمان فیلم به قصاص محکوم می‌شد، زیر سؤال برد. چالش اصلی دادگاه و موضوع قصاص را ابتدا می‌توان در فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» سال ۱۳۷۲ به نویسندگی و کارگردانی مرحوم ایرج قادری دید؛ فیلمی که کاملاً از روی یک فیلم کلاسیک امریکایی ساخته شده بود و فقط کاری که فیلمساز ایرانی انجام داد این بود که پایان خوشی برای آن قرار داد. در این فیلم تقابل یک زن بی‌گناه با دادگاه به نمایش گذاشته شد. قادری در سال‌های بعد در فیلم‌های «سام» و «ترگس» و «محاكمه» نیز موضوع قتل و دادگاه را دنبال می‌کند. در دیگر فیلم‌هایی که با موضوع قصاص ساخته شده دادگاه با بر ضد قهرمان بی‌گناه فیلم است یا در بهترین حالت نسبت به نجات‌وی خنثی است. در فیلم «هن مادر هستم» ساخته فریدون جبرانی، مسئله قصاص بار دیگر پیش می‌آید. در فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» محصول سال ۱۳۹۲ دادگاه به نقطه تقابل خیر و شر تبدیل شده و بیننده از اینکه دختر بی‌گناه اعدام می‌شود از دادگاه و سیستم قضایی ناراحت می‌شود. در سال‌های اخیر فیلم «قسم» به کارگردانی محسن تنابنده که در ابتدا با بودجه یک نهاد فرهنگی ساخته شده بود، به چالش حقوقی تبدیل شد. در این فیلم نیز مانند اکثر آثار پیرامون قصاص، یک موضوع اسلامی با نام قسامه زیر سؤال می‌رود. سال گذشته فیلم «قصیده گاو سفید» در جشنواره فجر به نمایش درآمد که در آن یک قاضی با حکم اشتباه عامل اعدام فردی بی‌گناه می‌شود. این فیلم تراژیک هجو سیستم قضایی است. در فیلم «جاندار» که در سینما آنلاین به نمایش درآمده، موضوع قتل و قصاص بیش می‌آید، دادگاه تصویری خنثی دارد که در نهایت باعث نمی‌شود تا مریدی که جرم‌وری به اثبات نرسیده است، اعدام شود. فیلم «شنای پروانه» نیز تگایی به‌خاطر قصاص دارد، اما در این فیلم کارگردان هوشمندانه تلاش کرده‌است چالش فیلم را جایی بیرون از سیستم قضایی به نمایش بگذارد.

نمونه‌های متعدد دیگری می‌توان در سینمایی ایران نام برد که در آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مسئله دادگاه پیش آمده ولی کم می‌توان فیلمی را دید که در آن دادگاه در مقام عدالت نشان داده شده باشد و همین باعث تغییر ذهنیت مخاطب فیلم نسبت به یکی از قوای سه‌گانه می‌شود.

با آثاری که در سینمای ایران به موضوع دادگاه و دادخواهی اشاره دارد، این است که در آنجا سیستم عدالت در نهایت به نفع مظلوم و احقاق حق رأی می‌دهد، حتی اگر قاضی فاسد باشد، وکیل مدافعی است که با پیگیری حق را محقق کند. سیستم قضایی در امریکا در اکثر فیلم‌ها یک نشان داده شده و اگر ایرادی است به حضور برخی افراد فاسد ربط داده می‌شود ولی در فیلم‌های ایرانی به‌خصوص اشاره‌ای که به موضوع قصاص یا دادگاه خانواده نشده‌است، در دستگاه قضایی به عنوان چالش پیش روی قهرمان قرار می‌گیرد که باید با شکست دادن آن حق به حد دار برسد!

در سینمای بعد از انقلاب، نمونه‌های پرداختن به سیستم قضایی کم‌کم دیده شد. از فیلم «قرمز» سال ۱۳۷۰، به ناتوانی دادگستری در دوره پهلوی در احقاق حقوق مردم اشاره داشت. در سال ۱۳۶۸ ولی موضوع دادگاه‌ها در جمهوری اسلامی در یکی از ماندگارترین فیلم‌های بعد از انقلاب یعنی «هامون» ساخته داریوش مهرجویی رقم خورد؛ جایی که حمید هامون در تاریخ سینما به یادگار مانده است. پیچیدگی کشف حقیقت و نمایش عدالت، کشاکش میان خیر و شر و شکوه پیروزی حق بر ظلم باعث شده تا همیشه فضای دادگاه در این فیلم‌ها به مرکز ثقل فیلم تبدیل شود. فیلم‌های مشهور تاریخ سینما از جمله «کشتن مرغ مقلد»، «۲۸ مرد خشمگین»، «در کمال خوسردی»، «کرامر» علیه کرامر»، «شاهدی برای تعقیب» و «دادگاه نورنبرگ» تنها بخشی از این فیلم‌های شاخص را تشکیل می‌دهند.

تفاوت آشکار ژانر دادگاهی در سینمای هالیوود

رهبر انقلاب افزودند: «غربی‌ها بر خلاف واقعیت، در فیلم‌های سینمایی، دادگاه‌های خود را عرصه عدالت محض نشان می‌دهند ولی ما حتی در ارائه واقعیات کشور از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای بهره نمی‌گیریم و گاهی برعکس نشان می‌دهیم.»

■ **«دادگاه» ژانر محبوب سینما**

فیلم‌های دادگاهی در سینمای امریکا به عنوان یک ژانر سینمایی شناخته شده و یکی از ۱۰ ژانر برطرفدار سینمای جهان به‌شمار می‌رود. این فیلم‌ها در نظر برخی منتقدان گاهی به عنوان زیرمجموعه ژانر درام شناخته می‌شوند؛ فیلم‌هایی که در آنها دادگاه و رسیدن به عدالت در محوریت قرار دارد و نمونه‌های زیادی از آن در تاریخ سینما به یادگار مانده است. پیچیدگی کشف حقیقت و نمایش عدالت، کشاکش میان خیر و شر و شکوه پیروزی حق بر ظلم باعث شده تا همیشه فضای دادگاه در این فیلم‌ها به مرکز ثقل فیلم تبدیل شود. فیلم‌های مشهور تاریخ سینما از جمله «کشتن مرغ مقلد»، «۲۸ مرد خشمگین»، «در کمال خوسردی»، «کرامر» علیه کرامر»، «شاهدی برای تعقیب» و «دادگاه نورنبرگ» تنها بخشی از این فیلم‌های شاخص را تشکیل می‌دهند.

تفاوت آشکار ژانر دادگاهی در سینمای هالیوود

سكانسی از مستند شهيد بهشتی که در تلویزیون سانسور شد انتقاد از بوروکراسی دست و پاگیر برای دسترسی به آرشیو صداوسیما

نیاز در این مستند، یادآور شد: یکی از مشکلاتی که در سازمان صداوسیما وجود دارد در زمینه دسترسی به تصاویر آرشیوی است که باید حل شود، یک روز ویدئو آزاد نبود اما آزاد شد یا خیلی از اتفاقات به مرور زمان حل شد. ما هنوز بخشی از آرشیو قسمت پنج را تحویل نگرفته‌ایم اما باید این قسمت را تا شنبه تحویل می‌دادیم. نوعی بوروکراسی برای دریافت آرشیو سازمان وجود دارد که باید نامه بیاورد، تصاویر انتخاب شود، کپچر شود، مدیریت این بخش، تصاویر را ببیند و بعد تصمیم می‌گیرند که تصویر مورد نظر در مستند باشد یا خیر. در صورتی که اگر تصاویر آرشیوی زودتر به دستمان می‌رسید، قطعاً فیلم‌نامه تقویت می‌شد. این مستندساز درباره اینکه چند دقیقه‌ای مستند او با تصاویر آرشیوی ساخته شده است، گفت: حدود ۱۵دقیقه از مستند بازسازی است که بخش‌های اعدام هویدا و ترور شهید مطهری و همچنین انفجار یک ماشین را شامل می‌شود. همچنین در قسمت پنجم که دیدش بخش شدن انفجاری را که منجر به شهادت بهشتی می‌شود هم در کار داریم. باقی تصاویر آرشیوی است که بخش عمده‌ای هم دیده نشده‌است.

وی درباره تلاش برای بازسازی حرفه‌ای این بخش‌ها برای مخاطب اظهار کرد: ما سعی کردیم جمع‌وجور کار کنیم چون تلویزیون پول چندانی برای مستند ندارد. این کار گردان همچنین درباره تفاوت رویکردش در این مستند نسبت به «ترور سرچشمه» ساخته محمدحسین مهدیان که آن هم به پرونده ترور شهید بهشتی می‌پردازد، گفت: «ترور سرچشمه» به خود ترو می‌پردازد و اساسا مستند پرتره نیست اما در بازسازی مستند ما غیر از ترور، بخش‌هایی درباره سلاوک، لانه جاسوسی، روزنامه‌ها و... نیز بوده‌است.



کلیشه‌ای، بد و زیادی جلف

انگار فیلم با وصله‌های غیردراماتیک به هم وصل شده و رخدادهایی که باید خط روایی را شکل دهند تبدیل به موقعیت پردازی‌های بی‌حاصل دیالوگی شده است

«ترگاس» می‌اندازد، به همین دلیل این‌دو بازیگر مورد تازهای برای عرضه به مخاطب ندارند و همینطور الگوهای ساختاری در موقعیت پردازی و دیالوگ‌نویسی به شدت تکراری و البته تحت تأثیر قسمت اول است.

قاسم‌خانی با خلق یک قصه کم‌جان و البته سلخسته سعی کرده مخاطب را با موقعیت‌های کلیشه‌ای و تکراری بخنداند، به همین جهت او از شخصیت پردازی و کمدی دور شده و با ایجاد فضاسازی تکراری از کاراکترهایش لایمن ساخته است. دعوهای کلامی جمشیدی و درخشانی در نقش حقیقی خودشان نکته جدیدی برای این فیلم ندارد. احقق بودن آنها در موقعیت‌های مختلف قطعاً کمدی محسوب نمی‌شود و حتی بی‌اخلاق‌های فیلم که دو کاراکتر چشم به یک دختر بزرگ کرده دارند، بیش از حد ابتدال فیلم را گسترش داده است، فیلم نکته مهمی برای ارائه به مخاطب ندارد و بخش خنده‌آور فیلم به متن مربوط نمی‌شود بلکه این دو بازیگر اصلی فیلم هستند که می‌توانند با انجام کارهای احمقانه مخاطب را بخندانند. از نظر اجرا هم نمی‌شود نکته‌ای را عنوان کرد، بازی‌ها به شدت ضعیف دارد، مخصوصاً ریحانه پارسا که انتخابش برای این فیلم تعجب‌برانگیز است.

فرهاد آئیش و حامد کمیلی هم همان همیشگی هستند، بار اصلی فیلم روی دوش جمشیدی و درخشانی است و همان طور که گفته شد هیچ بازی خاص و جدیدی از آنها نمی‌بینیم و پایان فیلم باز می‌ماند چراکه قاسم‌خانی می‌خواهد میزان فروش را در نظر داشته باشد تا قسمت سوم را هم بسازد چراکه در این برهه میزان رضایت مخاطب اصلاً برای عوامل فیلم مهم نیست.

قطعاً این فیلم به لحاظ ضعف‌های بی‌شمارش در محتوای نداشتن‌اش و ساختار آشفته‌اش نمی‌تواند برای قاسم‌خانی گام رو به جلویی محسوب شود. فیلم «خوب، بد، جلف ۲» فقط با نگرش اقتصادی ساخته شده است! اگر چه خوب‌بد، جلف یک را می‌شد بارها تماشاکرد و لذت برد اما این فیلم را می‌شود تنها یک بار دید و فراموش کرد.

پس از برگزاری مراسم تشییع و تدفین

پیکر علیرضا راهب در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا(س) آرام گرفت



ادبیات در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی راهاندازی انجمن ادبی «ونداد» بود که خود او هم مدیریت آن را بر عهده داشت و شاگردان بسیاری را در عرصه شعر و ترانه از میان جوانان مستعد کشور تربیت کرد. او در قطعه‌ای درباره مرگ سروده است: مرگ می‌تواند ادامه آواز من باشد/ که سالیان کثرت آتش چوپان‌ها، بر لب البرز گرم می‌شود/ انترس/ بومیان می‌گویند/ درختی که تیر نخورد/ د نمرش تلخ می‌شود.

علیرضا راهب عصر روز جمعه پیش از عزیمت به بیمارستان برای مداوای بیماری کووید ۱۹ در صفحه شخصی‌اش نوشته بود: «دوستان! تست کووید ۱۹ من مثبت شده. بعد از حدود دو هفته مداوا و درگیری و تنگی نفس و تیش قلب دارم آماده می‌شم به بیمارستان آتی‌ه برم. خواهش می‌کنم با من تماس نگیرید، قادر به پاسخگویی نیستم! بچه‌های انجمن ونداد و دوستان نزدیکم از من خبر خواهند داشت... عطر نفس، دعا و انرژی مثبتتون شفاست.»

■ **افشین علیار**
به‌طور معمول وقتی از یک اثر کمدی استقبال می‌شود، عوامل فیلم و کارگردان به دلیل شرایط مادی و معنوی اقدام به ساخت قسمت دوم آن اثر می‌کنند، البته در ایران همیشه به دلیل شرایط مادی قسمت دوم هر فیلمی ساخته می‌شود. «خوب، بد، جلف» اولین فیلم پیمان قاسم‌خانی در سال ۹۵ با استقبال مخاطب مواجه شد که می‌توانیم بگوییم به عنوان یک اثر

اول با پیشینه نوشتاری قاسم‌خانی و این بار در کارگردانی موفق بود، بنابر همین شرایط قاسم‌خانی تصمیم گرفته که قسمت دوم این فیلم را بسازد اما به‌طور کلی در سینمای ایران بیشتر فیلم‌ها زمانی که به نسخه دوم می‌رسند دیگر نمی‌توانند موفقیت نسخه اول را تکرار کنند. این ضعف در دومین فیلم پیمان قاسم‌خانی کاملاً مشهود است. او نتوانسته الگو یا قالب جدیدی در دومین فیلمش خلق کند. در نسخه اول اما تبحر خاصی در اجرا و ساختار کمدی و موقعیت پردازی نشان داد. قاسم‌خانی با انتخاب سبک و پژمان جمشیدی توانست اثری استاندارد در ژانری کمدی خلق کند. او با همان دو بازیگر اصلی سراغ یک سوزه دیگر رفته است؛ سوزه‌ای که اقتدر الکن است که توان تبدیل شدن به یک قصه فانتزی کمدی را ندارد. سنکس نخست که از رستوران شروع می‌شود نمی‌تواند یک شروع منسجم برای یک فیلم باشد چراکه انگار فیلم با وصله‌های غیردراماتیک به هم وصل شده و پیوندها و رخدادهایی که باید خط روایی را شکل دهند تبدیل به موقعیت پردازی‌های بی‌حاصل دیالوگی شده است.

از موقعیت‌های کمدی که در قسمت اول شاهد آن بودیم در این قسمت خبری نیست چراکه قاسم‌خانی با چند موقعیت جدید اما بی‌جان مثل دزدی کیک زرد و جریان جاسوسی و استفاده کاریکاتوری از ترامپ سعی داشت یک کمدی جاسوسی خلق کند اما آنچه می‌بینیم تکرار مکررات همان نسخه اول است که به شدت اکث‌ت‌های دو بازیگرش ما را به یاد آثاری مثل سریال «پژمان» یا فیلم

■ **سیدمرتضی ذاکر**

علیرضا راهب شاعر و ترانه‌سرای فقید کشورمان که در پی ابتلا به کرونا تا دنیا رفت، روز گذشته پس از انجام مراسم تشییع، پیکرش در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا(س) آرام گرفت. مراسم تشییع و خاکسپاری علیرضا راهب دیروز با حضور محدود تعدادی از شاعران و دوستان وی در انجمن ادبی «ونداد» برگزار شد. در این مراسم نصرالله قادری درباره انسانیت و مرگاندیشی علیرضا راهب در شعرها و زندگی این شاعر سخن گفت و مادر و خواهر این شاعر نیز قطعاتی از اشعار وی را بازخوانی کردند. همچنین بهمن زردوار، فرهاد آزمون و کمال حسینیان نیز شعرخوانی کردند و مراسم با بخش بخش‌هایی از شعرخوانی علیرضا راهب به پایان رسید. شاعرانی چون کوروش احمدی، حسن صادقی‌پناه، پیمان سلیمانی، امید جاووشی، فرامرز راد، عمران میری، آیین داوودی، فرهنگ روشنی، مراد عباسپور، فرهاد حامد، یاشار فغانی، شهرام رضایی، بهمن زردوار و محسن محمدی در این مراسم حضور داشتند.

مرحوم راهب (با نام شناسنامه‌ای علیرضا قادری) شاعر، نویسنده، بازیگر، دکلماتور و ترانه‌سرا و دانش‌آموخته رشته حقوق از دانشگاه تبریز بود. راهب شعر را از سال‌های دهه ۶۰ آغاز کرد و یک دوره ۱۰ساله در شهر تبریز سکونت داشت، به همین دلیل، زبان و ادبیات ترکی را آموخته بود و به ترکی هم شعر می‌سرود. «دو استکان عرق چهل گیاه» و «عشق باره وقت» مجموعه شعرهایی این شاعرند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های راهب در حوزه شعر و